



انجمن علمی فقه‌پژای تفسیری ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 4, Issue 2, 2026

Analysis of the Sources and Principles Governing Humanitarian Law in Islam; Its Primacy and Impact on International Humanitarian Law

Mohammad Zereshgi^{1*}

1. Department of Law, Par.C, Islamic Azad University, Pardis, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 115-130

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0009-0002-4120-5216

TELL: +980000000000

Email: Zereshgi@iau.ac.ir

Article history:

Received: 05 Dec 2025

Revised: 23 Dec 2025

Accepted: 05 Feb 2026

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

*Islamic Humanitarian Law,
International Humanitarian
Law, Principle of Dignity,
Principle of Proportionality,
Principle of Obligation.*

ABSTRACT

Through studying history, we come to realize that war, violence, and bloodshed have been an inevitable part of human life. The efforts of experts to counter these harmful phenomena have not led to practical results and have failed to completely eliminate war. In the current research, the author aims to explain and analyze the principles and foundations governing universal human rights in Islam. The goal is to conduct a comparative analysis of the influence of international humanitarian law (OHLC) on Islamic humanitarian laws. By examining the era of early Islam, it becomes clear that the concept of human rights existed in the past and throughout history was influenced by religious concepts and philosophical theories, particularly Islamic ones. While some Western humanist scholars believe that many fundamental principles of universal human rights have deep roots in Islamic traditions, this research focuses on comparing international humanitarian laws with existing rules related to war and armed conflicts within Islamic jurisprudence. By carefully examining the body of legal rules governing warfare, from the 1858 Paris Declaration concerning naval warfare to the four Geneva Conventions and their protocols, as well as the United Nations Convention, it is evident that the foundations of international humanitarian law are deeply rooted in Islamic teachings. In other words, before these international human rights documents were formulated, Islam had mandated the observance of humane treatment during war and jihad over 14 centuries ago. For this reason, many scholars consider the principles of international humanitarian law to originate from Islamic laws.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Zereshgi, m. (2026). "Analysis of the Sources and Principles Governing Humanitarian Law in Islam; Its Primacy and Impact on International Humanitarian Law". *Journal of International Criminal Law*, 4(2): 115-130.



انجمن عالی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق برای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق برای بین الملل

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

واکاوی منابع و اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه در اسلام؛ تقدم و تأثیر بر حقوق بشردوستانه بین الملل

محمد زرشگی*^۱

۱. گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.

چکیده

با مطالعه تاریخ درمی‌یابیم که جنگ، خشونت و خونریزی واقعیت اجتناب‌ناپذیر حیات بشری بوده و تلاش‌های مصلحان برای مقابله با این پدیده مخرب و تهدیدگر حیات و شأن انسانی، در عمل به نتیجه نرسیده و نتوانسته است جنگ را متفی کند. در تحقیق حاضر نگارنده در پی تبیین و تحلیل منابع و اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه در اسلام بوده و قصد دارد طی یک تحلیل تطبیقی به تأثیرپذیری نظام حقوق بشردوستانه بین‌المللی از حقوق بشردوستانه اسلامی بپردازد. با ملاحظه دوران صدر اسلام به‌روشنی مبرهن می‌گردد که حقوق بشردوستانه در گذشته ریشه داشته و در طی تاریخ تحت تأثیر مفاهیم مذهبی و نظریات فلسفی به‌ویژه نظریات اسلامی بوده است (البته برخی از اندیشمندان حقوق بشردوستانه غربی معتقدند که بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه دارای ریشه عمیق در سنن اسلامی است). با تدقیق در مجموعه قواعد و مقررات حقوق جنگ، از اعلامیه ۱۸۵۸ پاریس در مورد جنگ دریایی تا کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی و کنوانسیون سازمان ملل و... و قیاس آن‌ها با قواعد موجود در حقوق اسلامی مرتبط با جنگ و منازعات مسلحانه، این حقیقت به‌روشنی آشکار می‌شود که پایه‌های قواعد حقوق جنگ، به‌طور عام، و حقوق بشردوستانه و حمایت از افراد به‌صورت خاص، کاملاً در آموزه‌های اسلامی وجود دارد. به بیانی دیگر، پیش از آنکه این اسناد حقوقی بین‌المللی تبیین شود، اسلام در مهر و موم‌های ابتدایی ظهورش یعنی حدود ۱۴ قرن پیش از آن دستور به الزام رعایت قواعد بشردوستانه در جنگ و جهاد صادر نموده است. به همین علت بسیاری از اندیشمندان قواعد بشردوستانه بین‌المللی را، منبعث از حقوق اسلامی می‌دانند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۵-۱۳۰

اطلاعات نویسنده مسئول

کد ارکید: ۵۲۱۶-۴۱۲۰-۰۰۰۲-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: Zeresghi@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بشردوستانه اسلامی، حقوق بشردوستانه بین‌الملل، اصل کرامت، اصل تناسب، اصل تکلیف مداری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مسلمان را به حفظ حقوق و رعایت اخلاق درباره اسرای جنگی ترغیب نماید. از جمله آیات قرآن کریم که در آن‌ها از اسیر و اسارت سخن به میان رفته عبارتند از: آیه ۸۵ سوره مبارکه بقره، آیات ۸۹ و ۹۱ سوره مبارکه نساء، آیه ۴ سوره مبارکه محمد، آیه ۵ سوره مبارکه توبه، آیات ۶۷ و ۷۰ سوره مبارکه انفال ... که صرفاً در خصوص نظامیان دشمن هستند و به این معناست که در آموزه‌های اسلامی به اصل تفکیک توجه شایانی گردیده و در کتاب آسمانی قرآن هیچ زمانی غیرنظامیان اسیر شمرده نشده‌اند. خداوند رحمان و رحیم در آیه ۴ سوره مبارکه محمد به مسلمانان این اجازه را داده است که در مقابل دریافت فدیة یا حتی بدون فدیة اسرای جنگی را آزاد نمایند و جالب آنکه هیچ اشاره‌ای به دو رسم رایج آن زمان یعنی قتل و بردگی در خصوص اسیران جنگی ننموده است.

۱- مفهوم جنگ

برای پرداختن به هر پدیده‌ای ناگزیر از ارائه تعاریفی برای مشخص شدن مفهوم آن هستیم، یکی از این پدیده‌ها جنگ است. در مبحث پیش رو، بنا داریم به تعریف جنگ از منظرهای سنتی و حقوقی (ذهنی و عینی) بپردازیم.

۱-۱- مفهوم جنگ از منظر سنتی

از جنگ تعاریف متعددی شده است و در این باره از سوی دانشمندان و صاحب‌نظران مورد بحث و جدل قرار گرفته است، اما تعریفی که جامع‌ومانع باشد حاصل نگردیده است. این بیان معروف که در حوزه علوم انسانی "تعریف" وجود ندارد، بلکه "مفهوم" وجود دارد، درباره جنگ کاملاً مصداق می‌یابد. در خصوص جنگ این‌هایم آمده است که: جنگ عبارت است از جدل بین دو دولت از طریق نظامی تفوق و غلبه بر دیگری و اعمال شرایط طرف دلخواه (Oppenheim, 2015: 202). وردوس، جنگ را جدلی مسلحانه بین دولت‌ها که در آن کلیه روابط صلح‌آمیز معلق شده است، می‌داند. تعریف دیگری از جنگ را برای عنوان می‌کند: برایلی وجود اعمال زورمندانه در مدت طولانی را موجب پیدایش "حالت جنگ" می‌داند. او می‌گوید در صورتی که چنین حالتی وجود داشته باشد و طرفین از پذیرش حالت جنگ استنکاف ورزند، بر عهده جامعه بین‌الملل است که وجود حالت جنگ را اعلام کند. در تعریف

دین اسلام تأثیرات شایان توجهی را بر قواعد بشردوستانه گذاشته است، چراکه برای اولین بار در قرآن کریم مشاهده می‌کنیم که پذیرش حقوق دشمن مورد تأکید واقع شده است. در دین اسلام قاعده اصلی در نظام تشریحی همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر ادیان و صلح است و صرفاً در شرایط ضرورت جهاد تجویز شده است. اسلام زمانی ظهور نمود که جنگ، جهالت، بردگی و استعمار در سراسر جهان وجود داشت و در آن دوران زور حرف اول و آخر را می‌زد. در پاسخ به اینکه برخی معاندین اسلام اعلام می‌دارند که قواعد این دین پویا نیست، باید اذعان نمود که فقهای مسلمان مکلف هستند که با تحقیق و تتبع احکام ثانویه به واسطه پویایی مداوم تحولات اجتماعی، راهی برای حل معضلات جدید بیابند.

پیش از اسلام و در میان سایر ملت‌ها و اعراب جاهلی، اسرا همانند یک شیء و مال تلقی می‌شدند که این دیدگاه با توجه به عنایت کریمانه دین اسلام و تأکیدات فراوان این دین بر رفتار انسانی و احترام به اسرا اصلاح گردید. یقیناً اعتقاد آموزه‌های اسلامی بر کرامت ذاتی انسان، در تحقق این مهم بسیار اثرگذار است. همان‌طور که در قرآن کریم تصریح شده است: «ولقد کرما بنی آدم...»، انسان موجودی است که ملائکه برایش سجده کرده‌اند: «و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا الیاس» و امانت‌دار امانت الهی است: «إنا عرضنا الأمانه علی السماوات... و حملها الإنسان»، و موجب تبریک خداوند به خودش: «فتبارک الله احسن الخالقین»؛ در دین اسلام قاعده این است که مادامی که مجوز شرعی و قانونی وجود نداشته باشد، کرامت انسان‌ها نباید خدشه‌دار شود. این قاعده کلی را می‌توان نسبت به اسرای جنگی نیز تعمیم داد، چراکه اسیر نیز انسان است و تا زمانی که خودش موجب شکسته شدن حریمش نشود، باید حیثیت او تکریم شود؛ زیرا اساساً در دین اسلام هدف از جنگ و جهاد نه اغراض شخصی و امیال نفسانی، بلکه مقابله با ظلم و ستم و برقراری عدالت در جامعه، دفاع از مظلومان و مستضعفان و... است.

اسلام تلاش نموده است که با توجه به مقتضیات جنگ‌های آن دوران، از خشونت در حق اسرای جنگی بکاهد و نظامیان

۱-۳- تعریف جنگ از منظر نظریه ذهنی

وقتی صحبت از ذهن به میان می‌آید، قاعدتا موجودی به نام انسان در آن نقش فعال دارد. هرچند برخی در تعریف جنگ عوامل متعددی را ذکر کرده‌اند اما به نظر می‌رسد نقش اصلی در جنگ را عوامل انسانی داشته باشند؛ بنابراین در تعاریف متعددی که از سوی محققین صورت گرفته است در تعریف جنگ، انسان یک عنصر فعال محسوب می‌شود. در تعریف حقوقی که برخی از اندیشمندان برای جنگ ارائه داده‌اند صریحا از "قصد و نیت" صحبت به میان آمده است. کواینسی رایت در تعریف جنگ به صراحت از "نیت" به عنوان یکی از ارکان تعریف جنگ نام برده است. از نظر وی جنگ هنگامی آغاز می‌شود که دولتی نیت خود را برای توسل به جنگ، از طریق اعلام جنگ یا ضرب‌الاجل، اعلام می‌دارد. یکی دیگر از اندیشمندان که قصد و نیت را در تعریف جنگ آورده است، ریمون آرون می‌باشد. وی جنگ را یک اقدام اجتماعی دانسته که ناشی از اراده اجتماعات سیاسی سازمان یافته است که به منظور غلبه یکی بر دیگری تحقق می‌پذیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۴۵). واقعیت این است که احراز قصد و نیت صرف برای وقوع جنگ کار مشکلی است بنابراین به صرف قصد و نیت و اراده نمی‌توان وقوع جنگ را احراز نمود.

۱-۴- تعریف جنگ از منظر نظریه عینی

نظریه عینی در تعریف جنگ به "عنصر مادی" جنگ توجه نموده و معیار و عنصر اصلی در تعریف جنگ را همین عنصر مادی می‌داند. بنا بر تعریف دیوان دائمی داوری راجع به قضیه غرامت جنگ ترکیه به روسیه، آنچه در این تعریف ملاک قرار گرفته، عنصر مادی است. این تعریف بیان می‌دارد که: «جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه این است که در چارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آن‌ها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود. در این جهت حداقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویشان بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه، وسیله و هدف تحمیل اراده مهاجم است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۴۵).

سنتی، صاحب نظران جنگ را «جدل بین دو دولت از طریق قوای نظامی با هدف برتری و غلبه بر دیگری و اعمال شرایط دلخواه پیروز» و «یا جدل مسلحانه بین دولت‌ها که در آن کلیه روابط صلح آمیز معلق شده باشد» تعریف نموده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۸۸). در تعریف دیگری از جنگ، کلاوزوتیس بیان می‌دارد: «جنگ، به کارگیری حد اعلاي خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است». البته آنچه که مسلم است اینکه بسیاری از جنگ‌هایی که در تاریخ رخ داده‌اند برای خدمت به دولت و کشور نبوده است، چراکه جنگ‌های فراوانی را می‌توان نام برد که محصول هوا و آز حکمرانان بوده‌اند که منجر به از بین رفتن جان انسان‌ها و تخریب اموال و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی چه برای کشور خود و چه برای سایر کشورها شده‌اند. در تعریف دیگری که توسط کوئینی از جنگ شده، چنین بیان گردیده که: «جنگ هنر سازمان دادن و به کار گرفتن نیروهای مسلح برای انجام مقصود است» (نخجوان، ۱۳۱۸: ۳۵-۱۹).

۲-۱- مفهوم حقوقی جنگ

در بررسی آراء حقوقدانان نیز نتیجه حاصله این است که در این باره تشتت آراء وجود دارد. یکی از این نظریات، جنگ را بر اساس عاملان آن تعریف می‌کند. بدین ترتیب جنگ عبارت خواهد بود از یک نبرد مسلحانه بین دولت‌ها و از این نظر با جنگ داخلی یا عملیات مسلحانه علیه شورشیان، یاغیان و یا دزدان دریایی تفاوت می‌کند و صرفا نبرد بین نیروهای دولتی است؛ به همین جهت باید از دیدگاه رابطه دولت با دولت به آن توجه کرد. در نظریه‌ای دیگر به عنصر معنوی و اراده توجه شده است. نظریات دیگری که در این ارتباط می‌شود نام برد، نظریه مبتنی بر عنصر مادی و بر اساس غایت و هدف می‌باشد (روسو، ۱۳۶۹: ۱۳-۱۰).

از مجموعه نظریاتی که در این ارتباط وجود دارد می‌توان این نظریات را دو دسته طبقه‌بندی کرد. در افکار اندیشمندان یک دسته در تعریف جنگ از منظر حقوقی به سمت دیدگاه ذهنی رفته و در واقع نظریه ذهنی را در تعریف رعایت کرده‌اند و دسته دیگر به سمت نگاه عینی رفته و نظریه عینی را در تعاریف رعایت کرده‌اند؛ در ادامه به بررسی این نظریات می‌پردازیم.

تعریف دیگری نیز که به‌صراحت به عنصر مادی توجه نموده است، تعریف ژرژ سل می‌باشد. وی معتقد است که: «جنگ عبارت است از به اجرا درآمدن صلاحیت‌های از قبل تعیین شده از طریق حدوث یک واقعه تغییردهنده اوضاع که عبارت است از توسل به نیروی مادی به‌منظور تغییر در چگونگی صلاحیت‌های دولتی در جامعه بین‌المللی (روسو، ۱۳۶۹: ۱۵).

۲- تاریخچه و ریشه‌یابی بروز پدیده جنگ

مطالعه سیر تاریخ بشری بیانگر این واقعیت تلخ و گزنده است که قدمت جنگ، نزاع، درگیری و خشونت به قدمت حیات انسانی و زیست اجتماعی است. از آغاز خلقت و داستان‌های باقی‌مانده تا زمان حاضر، مقابله با ستیزه‌گری، خشونت‌طلبی و تمایل به جنگ و درگیری، همواره دغدغه اصلی کسانی بوده که در پی حل اختلاف‌ها و ایجاد و گسترش صلح، دوستی و آشتی میان انسان‌ها و جوامع مدنی بوده‌اند، زیرا جنگ و درگیری‌های متعدد و مستمر که در طول تاریخ بشری جریان داشته، چنان خشونت‌بار بوده و آثار وحشتناکی از خود به‌جای گذارده که به‌حق از آن به «بلائی» تعبیر شده که باید جهان و جهانیان را تا حد ممکن از مصائب آن (از جمله قتل، کشتار بی‌رحمانه، تجاوز، غارت و بردگی و ...) در امان نگه داشت (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۹۰). آنچه همواره به‌عنوان یک دغدغه مطرح بوده این است که در هر صورت رفتار با اسرا باید انسانی باشد و از آن‌ها نگهداری و محافظت شود و در برابر خشونت‌هایی که ممکن است نسبت به آن‌ها وارد شود، از آنان حمایت کرد.

ریشه‌های رفتار خشونت‌آمیز و مخاصمات مسلحانه بین ملت‌ها و دولت‌ها را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد. در یک نگاه، جنگ ریشه همه رویدادها و زمینه‌ساز تحولات بزرگ تلقی می‌شود. این دیدگاه بر اصل اجتناب‌ناپذیری جنگ در شرایط نامتعادل و وجود نابرابری‌ها و عدم روایت عدالت استوار است. در نگاه دیگری، جنگ به‌عنوان یک گزینه در نهاد انسان معرفی شده است؛ زیرا هر انسانی برای به دست آوردن آنچه که ندارد، به جنگ متوسل می‌شود و از این‌رو جنگ ریشه اخلاقی دارد.

برخی ریشه‌های جنگ را در تحلیل‌های روان‌شناسانه جستجو کرده و جنگ و خشونت را به‌عنوان نوعی برتری‌جویی و زورآزمایی به روان‌های معیوب و آفت‌زده منسوب کرده‌اند. در این میان، روان‌کاوی فروید نیز رد پای عامل جنسیت را در جنگ‌ها پی می‌گیرد. جمعی هم معتقدند که جنگ عامل مولد سیاست است، آن‌گونه که سیاست ابزار حکومت است و در حقیقت، قدرت که محور حکومت و سیاست محسوب می‌شود در قالب جنگ‌ها بروز می‌کند تا اقتدارطلبان به مقاصد خود برسند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲). ریشه‌های جنگ را از دیدگاه اسلام می‌توان با عنوان‌های زیر خلاصه کرد:

الف) اختلاف و دوگانگی در دیدگاه‌های نظری و عملکردها،
ب) ظلم و تجاوز در بهره‌گیری از مواهب حیات (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۲۱)،

ج) موازنه و باز شدن راه رشد و تکامل (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۵)،
د) دفاع از حقوق و کرامت (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲-۳).

موضع اسلام در روابط بین‌المللی بر اصل «لا تظلمون و لا تظلمون» استوار بوده و اسلام از هرگونه همکاری مسالمت‌آمیز برای تحقق ارزش‌های انسانی، پشتیبانی می‌کند. از جمله شواهد این مطلب اینکه پیامبر(ص) پس از بعثت خویش، مکرر از پیمان مقدسی یاد می‌کرد که در شهر مکه با گروهی از جوانمردان منعقد کرده بود و بر اساس آن می‌بایست نمی‌گذاشتند در مکه به هیچ فردی - اعم از هم‌وطن و بیگانه - ظلمی بشود، آن حضرت در این باره فرمودند: «لقد شهدت فی دار عبدالله بن جدعان حلفاً لو دعیت به فی الإسلام لاجبت؛ (در جوانی) در خانه عبدالله بن جدعان شاهد پیمانی بودم که اگر در اسلام هم به چنین پیمانی فراخوانده شوم، پذیرای آن خواهم بود». فلسفه جهاد در اسلام، حاکمیت یافتن اصول ارزشمند الهی و انسانی و رفع ستم از مظلومان و مستضعفان است و از طرفی، اسلام همچنان که گذشت، جنگ و کشتار در غیر مورد ضرورت را مهم‌ترین گناه و دنباله‌روی از وسوسه‌های شیطان می‌داند؛ بنابراین، شریعت مقدس اسلام، جنگ را به‌عنوان یک ضرورت و آخرین راه چاره پذیرفته و مفهوم جواز جنگ از دیدگاه اسلام چیزی نیست جز همان دفاع مشروعی که در منشور ملل متحد بر آن تأکید شده است. پر واضح است که در چنین شریعتی، مهم‌ترین شیوه حل اختلاف، چه در امور داخلی و چه بین‌المللی،

ابتلای جوامع شیعه و در غیبت امام معصوم کاملاً از کتاب‌های فقهی و حدیث حذف شده است. کتب اربعه به‌عنوان مبنا و زیربنای اساسی فقه شیعه امامیه در بابی تحت عنوان «کتاب الجهاد» به مباحث مربوط به جهاد و احکام جنگ پرداخته است که در مقایسه با مباحث «السیر» حجم قابل ملاحظه‌ای ندارد.

۴- مفهوم، اصول و منابع حقوق بشردوستانه اسلامی

در این محث در باب مفهوم، اصول و منابع حقوق بشردوستانه اسلامی به تحلیل ادبیات نظری ذی‌ربط خواهیم پرداخت.

۴-۱- مفهوم حقوق بشردوستانه اسلامی

آنچه امروزه مجموعه‌ای از قوانین و مقررات تحت عنوان حقوق بین‌المللی بشردوستانه در قالب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تدوین شده، در حقیقت ترجمان ندای وجدان و تلاوت آیات آسمانی کتاب جان انسان و تجلی فطرت و نهاد پاک آدمی است که اینک پس از قرن‌ها فراز و فرود کاروان تمدن بشری و تحمل رنج‌ها و مصیبت‌های طاقت‌فرسا از سوی قربانی‌های بی‌گناه جنگ‌های خانمان‌سوز، میثاقی مکتوب را بر لوح پاک ضمیر انسان بازنویسی می‌کند و با فطرت الهی او گره می‌زند (دستغیب، ۱۳۹۲: ۱۱).

در اسلام، پایه‌های حقوق انسانی بر مبنای عدل استوار شده است. قوانین مربوط به جنگ و حقوق بشردوستانه‌ی مربوط به درگیری‌های جنگی در زمان ظهور اسلام، تبیین و به آن عمل شد. روزی با ظهور اسلام در آن جهان تاریک، بساط عدل گسترده و در جزیره‌العرب حکومت عدل برپا شد و در زیر پرچم «لا اله الا الله، محمدا رسول الله»، عادلانه‌ترین حکومت تاریخ شکل گرفت. در اسلام دستور داده شده است که با اسیران جنگی رفق و مدارا شود و ابتدا قتال صورت نگیرد: «**لا تَبْدُوهُمْ بِقِتَالٍ**». در اسلام، جنگ، دفاعی در مقابل هجوم ستمگر و تجاوزگران است یا آنکه اگر قرار است جنگی صورت گیرد، باید برای هدفی همچون براندازی ظلم باشد؛ در غیر این موارد، در اسلام دستور جنگی نداریم. جنگ هدفمند که برای دفع تجاوز و رفع ظلم و ستم در دین اسلام مشروع شناخته شده، مشروط به رهبری عالم عادل یا معصوم شده است. اگر جنگی برای براندازی ظلم و ستم صورت گیرد، باید با رهبری و نظارت دقیق عالم عادل باشد که بر حسن اداره جنگ و همچنین

توسل به راه‌های مسالمت‌آمیزی مانند مذاکره، بحث آزاد، حکمیت، داوری، وساطت و سازش خواهد بود و عملاً نیز شواهد فراوانی در تاریخ اسلام وجود دارد که گواه این سخن است؛ مانند منشور مدینه که در آغاز هجرت و ورود پیامبر(ص) به این شهر تدوین شد و نیز انعقاد پیمان دفاعی و یا بی‌طرفی با قبایل و صلح حدیبیه و مذاکره با مسیحیان نجران و حکمیت و داوری علی(ع) با معاویه در جنگ صفین.

۳- ماهیت جنگ در اسلام

ماهیت جنگ در اسلام، ماهیتی مذهبی و منطبق با نصوص دینی است و تفاوت بین مفهوم جنگ و جهاد از همین‌جا ناشی می‌شود. از آنجایی که فقه اسلامی برای اعمال و رفتار در زندگی احکامی مطابق با قرآن و سنت ارائه می‌دهد، در مورد جنگ یا صلح نیز افراد را به پیروی از قرآن و سنت دعوت می‌کند. اختلاف‌نظر فقهای شیعه و اهل سنت درباره جهاد در اسلام که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی به وجود آمده بود، دستاویزی برای مستشرقان، به‌منظور محکوم نمودن نظریه جهاد و اثبات جنگ‌طلبی مسلمانان شد. با وجود ارتباط تنگاتنگ بین فقه و جنگ در اسلام، نظام فقه اسلامی نیز برای مسائل مربوط به جهاد و آثار آن قوانینی را متأثر از نصوص یعنی همان قرآن و سنت وضع کرده که «**فقه‌الجهاد**» نامیده می‌شود. البته دیدگاه مکاتب فقهی اهل سنت و شیعه نسبت به فقه‌الجهاد، تفاوت‌ها و اشتراکاتی دارد.

در اسلام احکام مربوط به جنگ در اسلام را می‌توان در مجموعه‌های فقهی مربوط به حقوق بین‌الملل اسلامی جستجو کرد که زیربنای اساسی آن را طرز رفتار مسلمانان با اهل کتاب و غیرمسلمانان در زمان جنگ و صلح تشکیل می‌دهد. در مکتب فقهی اهل سنت این قوانین تحت عنوان «**السیر**» و در کتب فقهی شیعه در باب جهاد و ابواب دیگر به‌صورت پراکنده وجود دارد. در جوامع شیعی نیز پس از شروع جدی تألیف کتاب‌های اربعه حدیثی، یعنی عصر شروع غیبت صغری به بعد نیز، اهتمام ویژه‌ای به موضوع جهاد صورت گرفته است. با توجه به اینکه روند وقایع سیاسی و اجتماعی در تفکرات سیاسی شیعیان تأثیرگذار بوده، به‌تبع آن احکام جهاد نیز دچار تغییر و تحول شده تا جایی که در دورانی موضوع جهاد به دلیل عدم

رعایت برابری و عدل که باید در جامعه بشر برپا شود، نظارت کند و بر همین مناسبت که نخستین کتابی که در جامعه بشر به‌طور گسترده و مفصل، اصول حقوق بشردوستانه را تبیین نمود، قرآن مجید بود و بیان گسترده و مشروح معصومین(ع) از نبی اکرم(ص) تا سایر امامان معصوم نیز مبین حقوق بشردوستانه انسانی است (اراکي، ۱۳۹۲: ۲۰).

درواقع پایه و اساس حقوق بشر و حقوق بشردوستانه کرامت انسانی است که در قرآن کریم نیز با «لقد کرمانا بنی آدم» بر آن تأکید شده و مهر تائید زده شده که آدمیان مورد تکریم الهی بوده و کرامت آن‌ها از نظر خداوند مورد تأیید است. لذا اصل قاعده کرامت انسانی و آثار منبعت از آن، موردپذیرش ادیان الهی و به‌صورت تمام و کمال مکتب اسلام است و کامل‌ترین تفسیر آن مکتب ائمه معصومین(ع) است. در حقوق بشردوستانه اسلامی با قواعد بسیار مهمی در زمینه رعایت حقوق غیرنظامیان، رعایت حقوق اسرا و مفاهیمی که هم در کتاب، هم در سیره و سنت و هم در روایات وجود دارد، مواجه هستیم. رویکر عمل‌گرایانه‌ی دین اسلام نیز که در قبال اسرا و غیرنظامیان اتخاذ شده است حاکی از آن است که موضوعات بشردوستانه در مقام عمل موردتوجه دین اسلام بوده و اگر این دین مبین وارد جنگی شده که در بسیاری از موارد هدف صرفاً دفاع بوده، جز برای حفظ و حمایت از ارزش‌های متعالی کرامت انسانی رفتار نکرده است (هادوی‌تهرانی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۱).

با تفاسیر فوق‌یقینا یکی از عناصر بنیادین نظام حقوقی اسلام، مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه است؛ یک مفهوم سنجیده، جذاب و مستقل که نتیجه ادله قوی، جدی و صادقانه می‌باشد. پی بردن به ارزش ذاتی حقوق بشردوستانه اسلامی جز با قرار دادن آن در چارچوب واقعی‌اش امکان‌پذیر نیست (حجازی، ۱۳۹۴: ۷۰). نظام حقوقی اسلام سرشار از قواعد و مقرراتی است که بازه زمانی اعمال آن‌ها حین جنگ و یا پس از جنگ، ولی مرتبط با جنگ است. متعهدین به اعمال آن‌ها دولت‌های اسلامی و به‌صورت کلی مسلمانان طرف جنگ هستند. قواعد و مقررات مزبور را می‌توان «حقوق بشردوستانه اسلامی» نامید (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). البته منصفانه نیست که صرفاً برخی از قواعد حقوقی اسلام را انسان‌دوستانه بدانیم، چون

قواعد اسلامی همگی بشردوستانه بوده و اصولاً کلمه اسلام مترادف صلح وصف است؛ اما نباید از این مهم غافل شد که روح اسلام متشکل از صلح است ولی جنگ، منازعات انسانی و کشتار انسان‌ها توسط یکدیگر نیز یک واقعیت انکارناپذیر جوامع انسانی است (محقق‌داماد، ۱۳۷۵: ۱۴۹). در همین راستا، پیامبر اکرم(ص) در جمع بین دو وضعیت نقیض یعنی «ملاحظات انسان دوستانه» و «ضرورت‌های نظامی» طی یک حدیث، رحم، مروت و جنگ را با هم تلفیق نموده و فرموده‌اند: «من پیامبر رحمت، عطفوت و مرد میدان نبرد و جهاد هستم». همان‌طور که واضح است ایشان در عبارت مزبور به تقدم انسانیت و مروت بر جنگ قائل بوده تا به این واسطه به رزمندگان اسلام باورانده شود که پیامبر اکرم(ص) نه شمشیر انهدام، بلکه بازوی عدالت هستند.

نکته پایانی این که نظام حقوقی اسلام پیش از سایر نظام‌های حقوقی جهان، قواعد حقوق بشردوستانه را به جوامع بشری در راستای حرمت و پاسداشت انسان و انسانیت عرضه نموده است. بسیاری از این اصول پیش از اینکه در قرون اخیر موردپذیرش قرار گیرند، مورد تأکید اسلام و پیشوایان دین بوده‌اند، اما برای نخستین بار تدوین قواعد و مقررات جنگ در مذهب حنفی و با نوشته‌های محمدحسن شیبانی که برخی از اندیشمندان اروپایی از او به‌عنوان گروسیوس اسلام نام برده‌اند، انجام شد (البرزی‌ورکی، ۱۳۸۹: ۲۳). بنابراین ایده‌های بشردوستانه در آثار حقوقدانان مسلمانی چون اوزاعی، شیبانی و بعدها ماوردی بیان شده‌اند (محقق‌داماد، ۱۳۹۸: ۲۵). کتب آسمانی از جمله قرآن هم دربردارنده قواعدی مترقی در مورد جنگ‌ها هستند. در قرآن مجید به‌کرات به رعایت اصول انسانی در هدایت و اداره جنگ‌ها تأکید شده است.

۴-۲- اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه اسلامی

در این مبحث قصد داریم به اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه اسلامی از جمله: اصول عدالت، احسان، کراکت، دعوت، منع آغاز جنگ، تناسب و تکلیف مداری بپردازیم.

۴-۲-۱- اصل عدالت

اساسی‌ترین اصل حاکم بر حقوق بشردوستانه اسلامی، اصل عدالت است. به‌موجب آیات متعددی از سوره‌های مبارکه قرآن

در نحوه‌ی کشتن، مانند مثله کردن دشمن (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵۷) یا تخطی از قوانین جنگ، مانند شروع به جنگ قبل از اتمام حجت، کشتن اسیران، آزار مجروحان، کشتن غیرنظامیان، تخریب مزارع و مسموم کردن آب‌ها از اعمال ممنوعه در جنگ هستند (نهج‌البلاغه، نامه ۱۴). ارتکاب این‌گونه اقدامات از مصادیق بارز جرائم ضد بشری و تجاوز به حریم عدالت است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۵۷۸).

۴-۲-۲- اصل احسان

یکی دیگر از اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه اسلامی که دارای خاستگاه اعتقادی و عاطفی می‌باشد، اصل احسان است. در آیات متعددی از قرآن کریم همچون آیه ۹۰ سوره نحل نیز به فرمان خداوند مبنی بر احسان در کنار عدالت، آیات ۱۹۵ سوره بقره، ۱۳۴ سوره آل عمران، ۱۲۸ سوره نحل به ابراز لطف خداوند نسبت به نیکوکاران اشاره شده است که مجموعه آیات فوق نشانگر احسان به‌عنوان یک اصل اساسی در ساماندهی روابط اجتماعی انسان‌ها است. تجربه ثابت نموده که عدالت علی‌رغم تأثیر مثبتش نمی‌تواند به‌تنهایی در شرایط بحرانی و مخاصمات مسلحانه کافی باشد، چراکه برای غلبه بر دردها و آسیب‌های ناشی از بحران، به فداکاری و ایثار نیز نیاز است که صرفاً در پرتو احسان امکان‌پذیر می‌باشد. مفاد آیات مرتبط با احسان، آن‌قدر عمومیت و اطلاق دارند که هرگز تخصیص‌پذیر نیستند (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۴۸).

احسان و نیکوکاری در جهاد به یکی از دو صورت ممکن است: الف) دفاع در برابر تجاوز که مبنای جهاد است و ریشه‌های تجاوز را می‌خشکاند. این نوع جهاد در واقع احسان به انسانیت است؛ ب) در استیفای حق و دفاع مشروع، به شیوه شایسته عمل کردن، احسان دیگری است که در مجموع احسان مضاعف خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۵). دستور خداوند سبحان به احسان در جهاد، نشانگر میزان انسان‌دوستی در اسلام و بیانگر غیرطبیعی بودن جنگ است که باید به مقتضای ضرورت - به حداقل کاهش یابد (رشید، ۱۴۲۰: ۲۱۴).

«احسان به دشمن» در قانون جهاد اسلامی در زمینه تضمین کرامات انسانی است. انسان دارای روح الهی بوده و به‌رغم انحراف دارای ظرفیت دستیابی به مقام والای انسانی است؛ به

از جمله آیه ۹۰ سوره نحل، آیات ۶ و ۷ سوره انفطار و... از دستورات مطلق خداوند، عدالت است. از نظر قرآن کریم، عدالت اساس نظام هستی و گوهر وجودی انسان است. همچنین به‌موجب آیات مبارکه دیگری چون: آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید، آیه ۲۹ سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵ سوره مبارکه شوری و... اقامه قسط و عدل نه‌تنها از اهداف اصلی بعثت پیامبران و رسالت ویژه پیامبر(ص) بلکه یک تکلیف همگانی بوده و هرگونه انحراف، تندروی و کندروی و تجاوز به حقوق سایرین، تحت هر شرایطی خلاف اصل عدالت است (مطهری، ۱۳۸۴: ۸۰). در منطق قرآن کریم مطابق آیه ۷۶ سوره مبارکه نحل به‌هیچ‌عنوان فرمان دهندگان به عدالت با غیر آن یکسان نبوده چراکه دوام قدرت هرچند با کفر امکان دارد اما با ظلم هرگز (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۲). علاوه بر آیات فوق، می‌توان به آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نساء، آیه ۱۵۳ سوره مبارکه انعام و آیه ۸ سوره مبارکه مائده نیز اشاره نمود که می‌فرمایند مؤمنان باید پیش قراولان رفتار عادلانه بوده و هیچ امری نباید مانع آنان در این مهم باشد. درواقع حقیقت توحید و روح عدل با نظام حقوق اسلامی آمیخته است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵: ۱۹۸). به‌نحوی که حتی رعایت عدالت در آوردگاه جنگ نیز به دلیل آماده بودن زمینه تجاوزگری، اتفاقاً بیشتر مورد تأکید اسلام واقع شده است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۶).

قرآن کریم به‌موجب آیه ۲۷۹ سوره مبارکه بقره نیز با نفی ستمگری و ستم‌پذیری رعایت عدالت در منازعات مسلحانه را این‌گونه بیان می‌کند: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین؛ در راه خدا [فقط] با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تجاوز نکنید، زیرا که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد». در آیه شریفه به‌صراحت، تجاوز در جنگ حرام و تجاوزگر مورد خشم الهی است، زیرا خدای سبحان که انسان‌ها را از تعدی در جنگ نهی فرموده و هرگز «تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». این تعبیر فقط بیانگر نفی محبت خدا نسبت به تعدی‌کنندگان نیست، بلکه دشمنی خدا با تجاوزگران را اثبات می‌کند. نهی از تجاوز در آیه شریفه، مطلق است. عدم ذکر متعلق نهی در جمله «و لا تعدوا...» نشان می‌دهد که جنگجویان از هرگونه تجاوز «حق» و «حکم» نهی شده‌اند. مطابق آیه ۸ سوره مبارکه ممتحنه تعدی به اشخاص یا تعدی

ب) خداوند همان‌طور که در آیه ۷۰ سوره اسراء آمده است به انسان‌ها کرامت داده و همه فرزندان آدم مکرم هستند. همه انسان‌ها با همه خردی‌شان، رمزی از عظمت پروردگار و صاحب ودیعه الهی هستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۳۰۰): بر همین اساس هر انسانی دارای حقوق و حرمت است و دیگران به رعایت آن ملزم هستند. این تکریم خدادادی از انسان دارای خاستگاه حقوق بشردوستانه است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۳۰). تأثیر اصل کرامت انسانی در انسانی نمودن جنگ، مورد تأکید اسلام و حقوق بین‌الملل است. با این وجه تمایز که اسلام خیلی زودتر از حقوق بین‌الملل در قرون گذشته به مطرح نمودن کرامت انسانی به‌عنوان عطیه الهی پرداخته است. از نظر عقلایی نیز کرامت لزوماً خاستگاه دینی دارد، چراکه بدون شناخت صحیح از بشر و درک رابطه‌اش با خداوند، ادعای کرامت و حقوق متساویانه و انتقال‌ناپذیر انسان، هیچ‌گونه توجیه عقلانی و منطقی ندارد.

۴-۲-۴- اصل دعوت

اصل دعوت به حق، از نظر اسلام در آیات مبارکه مختلفی همچون ۳۳ سوره فصلت، ۱۰۸ سوره یوسف، ۹۹ سوره مائده، ۱۸ سوره عنکبوت به‌مثابه اصل ضروری جهاد مرود توجه قرار گرفته است. در فقه اسلامی یکی از آداب جهاد اسلامی دعوت به اسلام است (محقق‌حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۹)، یعنی در واقع اصول شریعت بر جنگ در اسلام حاکم است و مسلمانان وظیفه دارند در خصوص مخاصمات مسلحانه در مسیر شریعت قدم گذارند. از نظر قرآن کریم، مجاهدان مسلمان پیش از اقدام به جنگ، ملزم به شناسایی راهکارهای پیشگیری از جنگ و ارائه‌ی آنها به دشمن ارائه هستند. قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل اصول تاکتیکی و روش مبارزه با مخالفان را بسیار شفاف بیان نموده است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ والموعظۃ الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن».

در نگاه حقوق بشردوستانه از دیدگاه قرآن کریم، دعوت باید قبل از جنگ و به انگیزه اتمام حجت باشد (صدر، ۱۴۱۷: ۳۱۴). فلسفه دعوت قبل از جنگ، روشنگری و ابلاغ هدف جهاد اسلامی به دیگران است تا آنان بدانند که اسلام شیوه‌ی

همین دلیل دشمنان نیز از رأفت اسلامی می‌توانند بهره‌مند شوند. احسان به دشمن، نمود بارز عاطفه انسانی و رأفت اسلامی است. آشکارترین نمونه احسان به دشمن، دعوت دشمنان به حقیقت و طریقه صحیح زندگی است که باید در ابتدای جنگ و قبل از وقوع رفتار خشونت‌آمیز، توسط رزمندگان مسلمان انجام شود. یکی از بارزترین تجلیات احسان عملکرد پیامبر اکرم (ص) در فتح‌الفتوح مکه است. بعضی فرماندهان سپاه اسلام این شعار را سر می‌دادند: «الیوم، یوم المرحمه، الیوم تسبی الحرمه، الیوم اذل الله قریشا؛ امروز روز انتقام، روز از بین رفتن احترام نفوس و اموال دشمنان و روز ذلت و خواری قریشیان است»؛ اما پیامبر (ص) دستور داد شعار رحمت را جایگزین شعار انتقام‌جویانه نمایند: «الیوم یوم المرحمه». در همین زمینه همه افراد قریش به‌جز چند نفر که جنایتکار بودند، مشمول عفو و رحمت قرار گرفتند (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۵). درواقع اصلی‌ترین پیام آیات احسان و سنت نبوی این است که یک مسلمان راستین، تحت هر شرایطی-حتی در مقابل دشمنان طرف جنگ- نباید احسان و نیکوکاری را فراموش نماید. البته مراد و مقصود از احسان در نظام حقوقی اسلام صرفاً فراهم نمودن امکانات مادی و تسهیلات نیست، بلکه هرگونه از رعایت کرامت انسانی دشمن و احترام، بخشی از احسان به دشمن است.

۴-۲-۳- اصل کرامت

اسلام دین کرامت و آیین انسان‌دوستی است. کرامت معادل درست و گویای واژه انگلیسی Dignity، یک واژه قرآنی است: «ولقد کرما بنی آدم» (سوره اسراء، آیه ۷۰). کرامت در لغت به معنای عزت و بزرگواری و بیانگر اخلاق و رفتار انسانی است. در اصطلاح، کرامت (پاک بودن از آلودگی‌ها) به‌معنای عزت، شرف و کمال مخصوص انسان کریم است (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۷۹). ویژگی کرامت در ذات انسان کریم نهفته است. از نظر قرآن کریم، انسان دارای دو نوع کرامت است:

الف) وفق آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات، کرامت اکتسابی و ایمانی که در مقایسه با غیر، تقنین‌پذیر است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۴۹). شهید مطهری نیز معتقدند همه انسان‌ها می‌توانند در پرتو تلاش و خودآگاهی به کرامت واقعی خود دست پیدا کنند (مطهری، ۱۳۶۳: ۲۳۰).

در نگاه دیگر، نخستین دستور جهاد مطابق این آیه ۱۹۰ سوره شریفه بقره تشریح شده است: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم؛ با آنها که به نبرد شما برخاسته‌اند در راه خدا پیکار کنید». مطابق این نظر، باز فلسفه تشریح جهاد، در هم شکستن تهاجم دشمن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۳۳-۳۵۵). در هر صورت جهاد اسلامی دارای ماهیت دفاعی بوده و جهت مقابله با هجوم دشمن تشریح شده است. جهاد مزبور پایگاه فکری عقلانی نیز دارد. از منظر عقل سلیم، انفعال در برابر حمله دشمن متجاوز با منطق سازگار نیست. تشریح دستور جهاد بعد از مسأله هجرت نیز مبین آن است که فلسفه جهاد در نظام حقوقی اسلام دفاع است نه هجوم، چراکه مسلمانان طی سیزده سال در مقابل همه آزارها و کارشکنی‌های دشمن هیچ عکس‌العمل نظامی انجام ندادند؛ با این امید که دشمن بر سر عقل آید. ثمره این صبر، هجرت بود که یک آوارگی عمومی تلقی می‌شد که در بردارنده انواع فشارهای اقتصادی و اجتماعی نیز بود. این فشارها حتی بعد از هجرت به مدینه نیز ادامه داشت و در چنین شرایطی بود که مطابق آیه ۳۹ سوره مبارکه حج پروردگار مجوز جنگ را تشریح نمودند و به مسلمانان اجازه دفاع داده شد. علاوه بر آیات قرآن کریم، می‌توان به فرمایش امام علی(ع) در نامه ۱۴ اشاره نمود که ایشان می‌فرمایند: مسلمانان نباید شروع‌کننده جنگ باشند و حتماً می‌بایست خویش‌داری در جنگ و حذر از شتاب‌زدگی را رعایت نمایند (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۶۶). پرهیز از شروع جنگ و در انتظار تهاجم دشمن ماندن در واقع نوعی اعطای فرصت به دشمن و سندی برای اهداف بشردوستانه جهاد در اسلام است.

۴-۲-۶- اصل تناسب

مقصود از اصل تناسب این است که خسارت‌ها و صدمه‌های ناشی از تهاجم به افراد نظامی در قیاس با مزایا و فواید نظامی مستقیم که از آن تهاجم به دست می‌آید، نباید بیش از حد لازم باشد. اسلام دینی حکیمانه است و رفتار حکمت‌آمیز از دستورات ویژه اسلام در روابط اجتماعی و بین‌المللی می‌باشد. مطابق آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل مسلمانان تحت هر شرایطی، علی‌الخصوص در دعوت به حق تکلیف به رعایت شیوه‌های منطقی، عاطفی و حکیمانه دارند. حتی اگر اقدامات پیشگیرانه مثمر ثمر نباشد و مسلمانان در مقابل تهاجم دشمن، مجبور به

ملوکانه ندارد و هدف جهاد اسلامی نیز رسیدن به مال و قدرت و حکومت نیست (نجفی، ۱۴۳۰: ۵۱-۵۲). امید تأثیرگذاری دعوت در هدایت دشمن که ارزش آن بسی ارزشمندتر از حاصل جنگ است، از دیگر دلایل دعوت قبل از جنگ به شمار می‌رود (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). محتوای اصل دعوت به حق و تقدم آن بر جنگ، به خوبی به تبیین اهداف و آموزه‌های شریعت اسلام و میزان کارایی آن در پیشگیری از وقوع جنگ و تضمین زندگی مطلوب افراد، اجتماع و جامعه بین‌الملل می‌پردازد. در واقع اصل تقدم دعوت بر جنگ نشانه‌ای بارز از اصالت منطق و تقدم آن بر زور و قدرت است. از این دیدگاه جهاد دو حالت دارد: ۱) دعوت به حق که نوعی جهاد فرهنگی و علمی است. ۲) تلاش برای رفع موانع و فراهم نمودن زمینه دعوت به حق. در واقع اگر دعوت به حق به صورت اصولی و با لحاظ رعایت نیازهای زمان انجام بپذیرد تا حد بسیاری از وقوع جنگ پیشگیری خواهد کرد.

۴-۲-۵- اصل منع آغاز جنگ

آخرین راهکار برخورد با دشمنانی که امکان هرگونه تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان وجود ندارد، جهاد است. مفهوم دستورات اسلام مبنی بر عدم شروع جنگ توسط مسلمانان و در انتظار تهاجم دشمن ماندن، این است که راهکارهای غیرجنگی برای تحقق اهداف جهاد در اولویت است. اصل ممنوعیت شروع به جنگ، در آیات ۳۹ و ۴۰ سوره مبارکه حج دارای خاستگاه قرآنی است: «أذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله علی نصرهم لقدیر الذین أخرجوا من دیارهم بغير حق إلا أن یقولوا ربنا الله: به آنها که مورد تهاجم دشمن و جنگ قرار گرفته‌اند اجازه جهاد داده شده است و خداوند قادر بر یاری آنهاست. همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز اینکه می‌گفتند "پروردگار ما الله (خداوند یکتا)" است». این آیه شریفه، بیانگر فلسفه تشریح نخستین دستور جهاد در اسلام است. تعبیر "اذن" در آیه مبارکه، تناسب بسیاری با این ادعا دارد و نشان می‌دهد که قبلاً چنین اذنی وجود نداشته و آغاز تشریح جهاد نیز، جنبه دفاعی دارد. دفاع در برابر دشمنانی که مسلمانان را به جرم اعتقاد به توحید، مجبور به هجرت کرده بودند (زحیلی، ۱۴۱۹: ۱۷۸).

است. از سوی دیگر تعبیر «فی سبیل الله» در بسیاری از آیات مرتبط با جهاد همچون آیات ۱۹۰ و ۲۴۴ سوره مبارکه بقره و آیه ۱۱ سوره مبارکه توبه به کار رفته است. هدف اصلی جنگ از دیدگاه اسلام به‌خوبی در آیه ۱۹۰ سوره توبه مشخص می‌شود. «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا إن الله لا یحب المعتدین؛ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگد نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد». این‌گونه آیات به‌صراحت مشخص می‌نمایند که جهاد در دین مبین اسلام هرگز برای تلافی‌جویی، جاه‌طلبی، کشورگشایی و به دست آوردن غنائم که اتفاقاً عموم جنگ‌های بشری برای این موارد اتفاق افتاده است، نبوده، بلکه فلسفه جهاد در اسلام رضایت الهی، توسعه احکام الهی و صیانت از حقوق بشر و دفاع از هستی و قلمرو اسلامی، تشریح شده است. چگونه ممکن است پروردگاری که حتی ذبح یک جاندار ناچیز را تحریم می‌نماید و سفر به‌عنوان تفریح و فراغت جهت شکار را معصیت می‌داند، پروردگاری که قتل بدون دلیل یک انسان بی‌گناه را در حکم قتل همه انسان‌ها می‌داند، پروردگاری که کوچک‌ترین تجاوز به حقوق انسان‌ها را سلطه‌طلبی و استکبار می‌داند و آن‌را به شدت محکوم می‌کند، جهاد را صرفاً برای تفوق عده‌ای از انسان‌ها بر عهده‌ای دیگر تجویز نماید؟ (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۲۷)

۴-۲-۸- اصل خویش‌داری

از جمله آداب جهاد در اسلام که جزء اصول اساسی حقوق جنگ در دین مبین است و می‌تواند از بسیاری از پیامدهای ناروای در جنگ پیشگیری نماید، این است که مسلمانان باید در جهاد خویش‌داری بوده و هیچ‌گاه از دایره انصاف و عدالت خارج نشوند. قرآن کریم به‌موجب آیه ۸ سوره مبارکه مائده به مسلمانان می‌فرماید: «اعدلوا هو أقرب للتقوی» و همچنین به‌موجب آیه ۹۰ سوره نحل نیز بر این مهم تأکید می‌نماید: «إن الله یأمر بالعدل والإحسان». مقصود از عدالت در آیات مزبور، رعایت قسط و عدل و رفتار انسان‌دوستانه با دیگران است و قطعاً یکی از مصادیق بارز عدالت، رعایت حقوق غیرنظامیان و زنان و کودکان بی‌دفاع در زمان جنگ است. کسی که از ایمان دینی برخوردار است و به انسان حداقل به‌عنوان مخلوق خدا - و حداکثر به‌عنوان خلیفه‌الله - نگاه می‌کند، اصل را بر رعایت حقوق دیگران و رحم و خیرخواهی برای افراد انسانی می‌گذارد

ارتکاب رفتار خصمانه شوند باید اصل تناسب را رعایت نموده که قرآن کریم نیز رعایت این اصل وزین را در آیات متعددی همچون ۱۹۴ سوره بقره، ۴۰ سوری شورا، ۵۹ سوره انفال و ۸ و ۴۵ سوره مائده، قرن‌ها پیش از حقوق بشردوستانه بین‌الملل مطرح نموده است. برای نمونه می‌توان به آیه ۱۲۶ سوره نحل نیز اشاره نمود: «و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین؛ هرگاه خواستید مجازات کنید تنها مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر شکیبایی پیشه کنید این کار برای صابران بهتر است». مطابق برخی روایات، آیه شریفه ناظر به جنگ احد است. رفتار بی‌رحمانه دشمنان و مثله کردن حمزه عموی پیامبر اکرم (ص) و شکیبایی آن حضرت در قبال رفتار خصمانه دشمن و اعلان عفو عمومی از سوی ایشان در فتح مکه، در اوج قدرت، بیانگر رفتار انسانی و شکیبایی اسلامی در جنگ است. اگر هواداران حقوق بشردوستانه در شرق و غرب عالم، بخواهند نمونه‌های عالی و ذاتی رفتار خصمانه و دوستانه را ببینند و بشناسند، باید رفتار خصمانه در جنگ "احد" را با اقدام بشردوستانه در فتح عزت آفرین "مکه" مقایسه کنند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۸۵). در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره نیز به نهی از افراط در جنگ به‌عنوان بازتابی از رعایت اصل تناسب اشاره شده است. مقتضای اصل تناسب در جنگ حذر از برخی اقدامات ممنوعه است و سرپیچی از این اصل بدون مصلحت اهم، ممنوع می‌باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹). علاوه‌بر منشأ قرآنی، اصل تناسب در سنت نبوی نیز ریشه دارد (مغنیه، ۱۴۲۱: ۲۹۷). بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به فلسفه و کارایی اصول حقوق بشردوستانه، خوشبختانه دین اسلام در این خصوص پیشرو است.

۴-۲-۷- اصل تکلیف مداری

در آموزه‌های اسلامی جهاد فی سبیل الله نه تنها تکلیف و عبادت مهم، بلکه از بارزترین و والاترین دستورات پروردگار است. قرآن کریم در این زمینه در آیه مبارکه ۲۱۶ سوره بقره می‌فرماید: «کتب علیکم القتال وهو کره لکم و عسی أن تکرهوا شیئاً وهو خیر لکم؛ قتال و جنگ بر شما واجب شده است، درحالی‌که برای شما ناگوار است و چه بسا چیزی را که خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است». همان‌طور که از ظاهر این آیه برمی‌آید، جهاد، در صورت فراهم بودن شرایط بر همه مسلمانان واجب

۴-۳-۲- سنت

مراد از سنت، رفتار، گفتار و تقریر عملی است که توسط پیشوایان دینی در موضوعات حقوق بشردوستانه ثبت گردیده که ما می‌توانیم بر پایه ۳ عنصر کردار، گفتار و تقریر به موضوعات حقوق بشردوستانه اسلامی دست یابیم. قرآن کریم به‌نوعی میثاق امت مسلمان و قانون اساسی مسلمانان به شمار می‌آید که هرچند به جزئیات ورود نکرده اما به طرح مباحث اصلی و اساسی مسلمانان پرداخته است. لذا پیامبر(ص) و جانشینان معصومش موظف‌اند بر حسب مقتضیات زمان و مکان به بیان جزئیات احکام بپردازند. معصومین به حکم صریح قرآن، چیزی از خود نمی‌گویند و چون بیانات آنان منبعث از احکام قرآن است به همین دلیل گفتار و کردارشان حجیت دارد؛ بنابراین دومین منبع از منابع حقوق اسلام، سنت است. این منبع عظیم اسلامی برابر با نص صریح آیه ۷ سوره مبارکه حشر قرآن، لازم الاتباع است: «و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فاتھوا؛ و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت بازایستید». همچنین به‌موجب آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء مقرر شده است که: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر(ص) و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید». البته بین تعریف سنت از دیدگاه اهل تسنن و شیعیان تفاوت وجود دارد؛ اهل تسنن معتقدند سنت عبارت است از گفتار، عمل و تقریر شخص پیامبر اکرم(ص)، اما از منظر شیعیان سنت مفهوم گسترده‌تری داشته و علاوه بر گفتار، کردار و تقریر پیامبر(ص)، شامل گفتار، کردار و تقریر امامان معصوم(ع) نیز خواهد شد. روشن است که شیعیان با استناد به احکام چندی که در آیات قرآن کریم و احادیث متواتر رسول اکرم(ص) که خود اهل تسنن نیز آن‌ها را روایت نموده‌اند، من جمله «هن در بین شما ۲ امانت نفیس و گران‌بها می‌گذارم: یکی قرآن و دیگری عترت و اهل بیتم. پس تا زمانی که به این دو متوسل شوید هرگز منحرف نخواهید شد و این دو یادگار من هم هیچ زمانی از هم جدا نخواهند شد». به همین دلیل شیعیان به گفتار، کردار و تقریر ائمه اطهار نیز استناد می‌نمایند (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۲).

و بر خود واجب می‌داند که هم به وجوب عقلی و هم به وجوب شرعی، حقوق انسانی همگان را رعایت کند. امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر می‌گوید: «لا تكونن علیهم سبعا ضاریا تغتم اکلهم فانهم صنفان؛ اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق...؛ ای مالک! مبادا نسبت به مردم مصر همچون جانور درنده‌ای به غارت جان و مال آنان بپردازی چرا که آنان از ۲ صنف بیرون نیستند؛ یا با تو برادر دینی هستند و یا در آفرینش همانند تو انسان هستند» (آل‌بتول، ۱۳۸۸: ۱۰۱). یقیناً حق محوری، تکلیف‌مداری و خویش‌داری در جهاد باعث می‌شود که رزمندگان مسلمان هیچ‌گاه از دایره انصاف خارج نشده و قدم در مسیر ظلم و جور برندارد.

۴-۳- منابع حقوقی بشردوستانه اسلامی

منابع یک نظام حقوقی عبارت است از منابعی که احکام و قواعد آن نظام از آن‌ها اشتقاق یافته است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۰: ۵۸). دیدگاه اسلام در مورد حقوق بشردوستانه را می‌توان از منابع زیر استنباط نمود:

۴-۳-۱- قرآن

قرآن مجید کلام پروردگار عالم به پیامبر(ص) برگزیده‌اش حضرت محمد(ص) برای ابلاغ به همه مردم در جهان است که طی ۲۳ سال بر حضرتش نازل شد. این کتاب الهی به‌عنوان نخستین منبع معتبر حقوقی اسلامی در تمام زمینه‌ها به‌ویژه قواعد بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه و درگیری‌ها، در مقایسه با سایر منابع اسلامی از جایگاه ویژه و شایسته‌ای برخوردار است. البته همه قرآن را آیات مربوط به مقررات حقوقی فرانگرفته، بلکه از مجموع ۶۶۶۰ آیه آن فقط حدود ۵۰۰ آیه، راجع به احکام عملی و مقررات اجتماعی اسلام می‌باشد. در خصوص این قبیل آیات، از دانشمندان اسلامی کتاب‌هایی به یادگار مانده است؛ مانند «آیات الاحکام» ملاحمد اردبیلی معروف به مقدس اردبیلی (قرن دهم هجری) و «کنز‌العرفان فی فقه القرآن» از فاضل مقداد سیوری حلی (از علمای قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری) (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۰).

۴-۳-۳- دکتربین و آراء فقهی

سومین منبع مهم از سلسله منابع حقوقی اسلام، دکتربین و آراء فقهی است که مفهومی اجماع نظر علما و اندیشمندان اسلامی در یک مسأله حقوقی و شرعی می‌باشد. البته منبع مزبور مستقل نبوده و یک منبع فرعی و تبعی است. مبنا و منبع دکتربین و آراء فقهی منابع اصلی قرآن و سنت است. به این معنا که باید کاشف از قرآن و سنت باشند؛ درواقع با وساطت آن‌هاست که از احکام دینی پرده برداشته می‌شود، در صورتی که قرآن و سنت بدون نیاز به واسطه و مستقیماً، احکام خدادادی را به موظفین منتقل ساخته و به‌عنوان نخستین مراجع علما در استنباط احکام الهی تلقی خواهند شد.

البته اگرچه دکتربین و آراء فقهی یکی از منابع دستیابی به دیدگاه اسلام در رابطه با مسائل احکام و مقررات عملی می‌باشد، اما بدین معنی نیست که نظریه هر فقیهی به‌عنوان دیدگاه اسلام شناخته و تلقی شود، زیرا که گاه نظریات در یک مسأله، مختلف و متفاوت است و احیاناً نظریه فقیهی ممکن است خطا نیز باشد، بلکه به این معنی است که دیدگاه‌های مشترک و اجماعی فوق، همواره حاکی از دیدگاه اسلام است و در موارد اختلاف نیز می‌توان به‌گونه‌ای از طریق یک رأی معتبر فقهی با دیدگاه اسلامی آشنا شد. اشخاصی که توان به دست آوردن دیدگاه اسلامی از طریق اجتهاد شخصی را ندارند، ناگزیر باید یک نظریه معتبر فقهی را بپذیرا باشند و معمولاً راه‌های دستیابی به دیدگاه اسلامی به یکی از دو راه اجتهاد و تقلید منتهی می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۸۴). بدین ترتیب به‌وسیله اجتهاد می‌توان با تکیه بر دلایل و مدارک، تمام قواعد مورد لزوم در حیات متغیر جوامع را استنباط کرد (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۷۱) که بی‌تردید مقررات بشردوستانه نیز بی‌نیاز از آن نیست.

۴-۴-۴- عقل

چهارمین و آخرین منبعی که جهت حصول دیدگاه اسلام در مورد موضوعات حقوق بشردوستانه می‌تواند مورد سندیت قرار گیرد، عقل است. البته در بین اهل تسنن، قیاس به‌جای عقل اعتبار دارد. در طرف مقابل شیعیان عمل به قیاس را رد می‌کنند اما در عوض از عقل به‌عنوان یک منبع کمکی که می‌توان با

توسل به آن حکم خدا را کشف نمود، بهره می‌گیرند. در فقه شیعه، عقل در قلمرو «ما لا نص فیهِ [یعنی موارد سکوت قانون]» می‌تواند ملاک در تشخیص دیدگاه اسلام تلقی شود. اسلام دین عقلانیت است و همواره دیدگاه‌های مبتنی بر عقلانیت و عرف را بپذیرا می‌باشد. در قلمرو «ما لا نص فیهِ» همین اصل به‌عنوان معیار شناخت دیدگاه اسلام به کار می‌رود (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۸۵). لذا زمانی که یک قاعده به‌عنوان حقوق بشردوستانه توسط علما و اندیشمندان جامعه پذیرفته می‌شود و به‌صورت سنت عملی عقلا و به‌عنوان یک حق در زمینه حمایت از حیات و تضمین کرامت انسانی استوار می‌شود، هرچند در اسلام راجع به آن نصی نیامده باشد، می‌تواند مورد تأیید اسلام و مسلمین تلقی شود.

۵- تقدم سبقه تاریخی حقوق بشردوستانه اسلامی بر حقوق بشردوستانه بین‌الملل

یکی از سخت‌ترین و تاریک‌ترین دوران تاریخ بشر از منظر شرایط زندگی علی‌الخصوص در زمینه مخاصمات مسلحانه قرون ۴ و ۵ میلادی است. در این دوران مثله کردن اجساد، وحشی‌گری و اعمال ظالمانه جزء امور عادی دوران به شمار می‌رفته است. در این قرون، هیچ تفاوتی بین نظامیان و غیرنظامیان نبوده و هیچ حمایتی در راستای اصل تفکیک از زنان، کودکان، سالخوردگان و بیماران صورت نمی‌پذیرفته است. علاوه بر این، هیچ محدودیتی جهت نابودی و ویرانی اهداف و اموال مردم وجود نداشته است؛ مضافاً اینکه قواعد نیز یک کالای لوکس به شمار رفته و رعایت نمی‌شدند، چراکه جهان به‌نوعی در یک منجلاب انحطاط و فساد اخلاقی، مادی و معنوی افتاده بود. در چنین قرونی بود که دین مبین اسلام ظهور کرد و رسالت این دین مبین بهبود شرایط دردناک جوامع وقت بشری بود و قصد داشت این خلأ و نقصان حقوقی و اخلاقی را که مردم در جوامع عصر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند، پر نماید. در واقع شیوه‌ی انسانی و بشردوستانه اسلامی، تأثیر بسیاری بر امور مربوط به مخاصمات مسلحانه گذاشت و به ایفای نقشی اساسی در شکل‌گیری و انسجام حقوق مدرن بشردوستانه انجامید.

به مفهوم جامعی از پذیرش حقوق دشمن در همه حال - چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ - برمی‌خوریم که قرآن کریم و پیامبر اسلام (ص) و جانشینان او بر آنها تأکید نموده‌اند. به‌علاوه، رساله‌های مربوط به حقوق جنگ که توسط آیالا، ویتوریا، جنتیلس، گروسوس و دیگران نگاشته شده، هیچ همتایی در آثار رومی و یونانی ندارد و محصول عصری است که تمدن اروپاییان به شکوفایی امروز نبود. از این‌رو، می‌توان گفت که آن کتاب‌ها متأثر از آثار عربی درباره جهاد (جنگ) و سیر (رفتار هنگام جنگ و صلح) بوده‌اند (حمیدالله، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۸).

جین پیکتت، حقوقدان سوئیسی که در تهیه کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مزبور سعی فراوان کرده و شروح زیادی در این زمینه نگاشته است می‌گوید: «خواستیم تمام قواعد انسان دوستانه بین‌المللی را در قالب جمله‌ای جامع و فراگیر تبیین کنیم. نهایت آنچه توانستیم ارائه دهم این اصل است: با دیگران آن‌چنان رفتار کن که مایلی با تو آن‌چنان رفتار کنند» (Pictet, 2016: 455,462). جالب این است که این جمله عیناً در کلمات پیامبر اسلام (ص) آمده است: «کسی مؤمن نیست، مگر آنچه برای دیگران می‌پسندد، برای خود هم بپسندد» (شیبانی، ۱۳۸۹: ۴۴).

۶- تأثیرسنجی حقوق بشردوستانه اسلامی بر حقوق بشردوستانه بین‌الملل

در ابتدا با طرح یک سؤال می‌توان به این مبحث پرداخت؛ آیا اسلام نقشی در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل دارد؟ به‌عبارت‌دیگر، آیا می‌توان برای واژه‌ی "حقوق بین‌الملل اسلامی" در نظام حقوق بین‌الملل، یک جایگاه قابل اثبات ترسیم نمود؟ یقیناً همه ادیان و تمدن‌ها دارای قواعد رفتاری خاص مدون هستند و به این واسطه قصد دارند تا از کرامت انسان‌ها در زمان مخاصمه پاسداری نموده و به صیانت از حق حیات افرادی که در جنگ شرکت کرده‌اند، بپردازند. دین اسلام به‌عنوان یک دین برتر دارای مجموعه قواعد قابل توجهی می‌باشد که به تدوین حقوق و فقه اسلامی پرداخته است و این آموزه‌های حقوقی و فقهی اسلام دربردارنده‌ی مقررات روشنی جهت حمایت از اسراء، زنان، کودکان و سالخورده‌گان در حین جنگ است. کشورهای اسلامی نیز مشارکت خوبی در روند توسعه مقررات جدید مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه

در دین اسلام و از همان قرن هفتم میلادی در خصوص مسائل صلح و جنگ چنان قواعد مستحکم و استواری وضع و اجرا شد که تا همین امروز نیز به‌عنوان الگوی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شود. نکته مهم توجه به زمان وضع و اجرای این قواعد است که هزار سال قبل از نظام حقوق بین‌الملل به آن مبادرت ورزید. محمدبن‌حسن شیبانی، فقیه حنفی، اولین پرچم‌دار علم سیر یا همان حقوق بین‌الملل اسلامی است که با تألیف کتب السیر الصغیر و سپس کتاب السیر الکبیر در قرن هشتم میلادی، پایه‌گذار این علم بود. به هر روی، حقوق حاکم بر توسل به زور و محتوای حقوق بشردوستانه اسلامی زمانی تدوین شد که مردم عصر، اطلاعات بسیار کمی در این زمینه داشتند یا در فرض داشتن اطلاعات نیز اهمیت چندانی بر آن قائل نبودند. درواقع، این گرایش‌های جهان‌شمول و بشردوستانه‌ی قواعد مزبور بود که منجر به این شد که این قوانین به نظام‌های قانونی - فرهنگی متفاوت راه یابد (فانر، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ به‌نحوی که جرج برنارد شاو انگلیسی معتقد است یکی از عللی که دین اسلام مورد پذیرش همگان است، طرفداری جدی آن هم در تئوری و هم در عمل از حقوق انسان‌هاست. اسلام در این زمینه چنان قدرتمند است که هیچ نظیری ندارد (سلیمی، ۱۳۸۶: ۸۰).

غربی‌ها اشاره داشته‌اند که از دستاوردهای مسلمانان در همه زمینه‌ها از قبیل مسائل پزشکی، ابزار و فنون صنعت و تجارت، قوانین راه‌های دریایی (دورانت، ۱۳۷۱: ۴۳۳) خصوصاً در مورد قواعد و مقررات بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بسیار بهره برده‌اند (محقق‌داماد، ۱۳۹۸: ۶۴)؛ چنانکه ویل دورانت می‌گوید: «**ظهور اسلام در قرون وسطی یکی از عجایب حوادث اجتماعی است**» (دورانت، ۱۳۷۱: ۱۹۸)، چراکه قواعد و مقررات انسانی و بشردوستانه اسلام بود که اروپا را از وحشیگری، درندگی و بدرفتاری نجات داد (لوبون، ۱۳۴۷: ۴۱۴ و ۴۱۸). این چنین بود که گروسوس در مقدمه کتاب خود با نام حقوق جنگ و صلح، مناسبت تألیف آن کتاب را چنین ذکر می‌کند که در زمان وی، ملت‌های مسیحی اروپایی در جنگ‌های خود به نحوی رفتار می‌نموده‌اند که حتی بربرها نیز از آن شرم می‌کرده‌اند. بنابراین، مشاهده می‌شود که اسلام تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای را بر قواعد و مقررات بشردوستانه داشته است، چنان‌که برای نخستین بار

شوند، بلکه در این روابط بیشتر متأثر از شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و مقرراتی نیز که در روابط با یکدیگر به کار می‌گرفتند، جنبه حقوقی و قانونی نداشت؛ بلکه به صورت معاهدات جزئی بین دو دولت یا به‌عنوان موازین اخلاقی مورد توجه بوده و چندان ضمانت اجرایی نیز بر آن مترتب نبود و بعضی از اصول آن رعایت نمی‌شد. شاید بتوان گفت که برای نخستین بار به خاطر تعالیم قرآن کریم بود که این مقررات اخلاقی و عرفی به شکل حقوقی و قانونمند درآمد و از ضمانت اجرای مؤثر بهره‌مند شد؛ چه اینکه اسلام بسیاری از دستورالعمل‌های بین‌المللی را به صورت واجب و حرام بیان نموده و پیروان این دین آسمانی، خود را متعهد به رعایت آن می‌دانند. بدین ترتیب، رعایت قواعد بشردوستانه بین‌المللی در دین اسلام جزئی از ایمان بوده است (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

نتیجه‌گیری

با مطالعه تطبیقی بین کنوانسیون‌های بین‌المللی بشردوستانه و آموزه‌های اسلامی در زمینه حقوق بشردوستانه نکات ذیل حاصل می‌آید:

اولاً، چون قواعد دینی اسلامی واجد خصیصه‌هایی چون وحیانی و الهی بودن، جامع و مانع بودن، هماهنگی و انسجام است، لذا از ضمانت اجرای بیشتری نسبت به حقوق بشردوستانه بین‌الملل بهره‌مند است. در همین راستا در آموزه‌های اسلامی رعایت قواعد بشردوستانه در مباحثات مسلحانه الزامی بوده و تحت هر شرایطی لازم‌الاتباع می‌باشد و تجاوز و سرپیچی از آنها مقابله با احکام الهی تلقی می‌شود.

ثانیاً، قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی سخت‌گیرانه‌تر از قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است؛ برای مثال آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره، بسیار مترقی‌تر از شرط معروف "مارتنز" است که در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی مقرر شده است. این نکته را باید در نظر داشت که قواعد اسلامی حدود ۱۴ قرن با قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی فاصله داشته و در زمانی که این قواعد تدوین شدند، در دوران صدر اسلام مثله کردن اجساد، شکنجه دشمن در جنگ، رفتارهای ظالمانه، قتل اسیران و ... کاملاً در خلال جنگ‌ها مرسوم بوده

داشته‌اند و به امضای اسناد اصلی این سلسله از قواعد تحت عنوان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی پرداخته‌اند. اندیشمندان غربی از جمله اپنهایم، به خلاً غیرقابل توجیه از دوره‌ی رومیان تا انتشار کتاب «حقوق جنگ و صلح» گروسیوس که یک دوره هزار ساله است، اشاره نموده‌اند و با تأمل در جایگاه اسلام در خصوص شکل‌گیری حقوق بین‌الملل و نفوذ مفاهیم حقوق اسلامی، موفق به شناسایی حلقه گمشده تاریخ تحول حقوق بین‌الملل و تأثیر بسیار حیاتی و انکارناپذیر حقوق اسلامی بر حقوق بین‌الملل شده‌اند. هرچند بلافاصله باید اذعان نمود که با وجود این شناسایی و تأثیر اساسی آن بر آثار به‌جای مانده از اندیشمندان مسلمان، متأسفانه عدم آگاهی بخشی از جامعه حقوقدانان مسلمان و عدم تجزیه و تحلیل مناسب مباحث از سوی آنان، باعث شده است که نقش اسلام و تأثیر آن بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه حقوق مربوط به جنگ و صلح، اگر نگوییم عمداً، اما یقیناً سهواً نادیده انگاشته شده است (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲۵).

در پایان مبحث تأثیر حقوق بشردوستانه اسلامی بر حقوق بشردوستانه بین‌الملل باید به موارد ذیل اشاره نمود:

۱) یقیناً نظام حقوق بشردوستانه اسلامی در خصوص اسیر دارای سابقه‌ی تاریخی درخشانی است. به این معنا که اسلام هنگامی رعایت اصولی را در قبال اسرای جنگی الزامی می‌دانست که در سایر نقاط جهان، هیچ مقرر قانونی و حقوقی در این خصوص وجود نداشت؛ از این منظر می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل تا حد بسیاری متأثر از نظام حقوقی اسلام در مورد اسیران است. چنانچه بعضی از فقیهان اهل تسنن تصریح نموده‌اند که الگوی اندیشمندان و علی‌الخصوص پیشوایان فکری پروتستان، قواعد الهی اسلام بوده است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۳۵). بنابراین گرچه بخشی از حقوقدانان صرفاً از اثر حقوق بین‌الملل از عقاید مذهبی یهود و مسیحیت سخن گفته‌اند یا کتبی در این خصوص تدوین کرده‌اند، اما عدالت و انصاف آن است که اثر حقوق بین‌الملل از آیین اسلام بیشتر بوده است.

۲) در گذشته‌ای نه‌چندان دور کشورها در روابط بین خود قواعد مدونی نداشتند که به این طریق همگان ملزم به رعایت آن

«من» اشاره نمود که معادلی برای آن در نظام حقوقی بین‌الملل وجود ندارد.

۵) قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی ۱۴ قرن پیش از قواعد بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده‌اند. به همین خاطر در زمانی که اساساً بحثی از حقوق جنگ وجود نداشت، دین مبین اسلام با یک رویکرد مترقیانه به شناسایی این حقوق پرداخته است؛ اما این قواعد به صورت منسجم و منظم تدوین نشده و در کتاب‌های فقهی به صورت پراکنده آمده است. از این رو با حقوق بین‌الملل بشردوستانه که از قرون ۱۹ و ۲۰ (۱۴ قرن پس از اسلام) در قالب اسناد بین‌المللی (معاهدات و پروتکل‌ها) تدوین شده است، تفاوت دارد.

۶) از منظر ضمانت اجرا بین این دو نظام حقوقی باید اذعان نمود که به دلیل بودن تکلیف دینی مبنی بر رعایت حقوق بشردوستانه اسلامی و ایمانی بودن این تعهدات، آموزه‌های اسلامی در این زمینه پیشروتر است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله توسط نویسندهٔ مسؤول انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

است. این در حالی است که کنوانسیون‌های بین‌المللی در قرن بیستم، زمانی تصویب شدند که جنگ در بین افکار عمومی کاملاً تقبیح شده بود.

با اوصاف فوق می‌توان از قواعد ذیل به عنوان نتایج مطالعات تطبیقی بین حقوق بشردوستانه اسلامی و بین‌المللی یاد نمود: (۱) آموزه‌های اسلامی به عنوان کامل‌ترین دین و جامع‌ترین طرح جهت سعادت انسان در عالم حقوق نیز صاحب‌نظر بوده و با نگاهی خاص به موضوع جنگ، تحت عنوان جهاد پرداخته است. دین اسلام با واقع‌گرایی، آینده‌نگری و جامعیت فکری و با موضعی صلح‌طلبانه و کریمانه به تبیین و تدوین حقوق بشردوستانه پرداخته که انصافاً نه تنها از حقوق مخاصمات مسلحانه غربی چیزی کم ندارد، بلکه از دید انسانی نیز با توجه به نگاه الهی و وحیانی‌اش از آموزه‌های غربی کامل‌تر است.

(۲) مبنای قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی حمایتی بودن است. در واقع هدف اصلی این مبنای حمایت از انسان‌ها اعم از افراد نظامی و غیرنظامی در حین جنگ است. یقیناً بین شیوه‌های حمایتی اسلامی و حقوق بین‌الملل وجوه تمایزی وجود دارد اما موضوع انسانیت و حمایت از او هدف نهایی تعهد در هر دو نظام است (البته آموزه‌های اسلامی عملگرا هستند اما آموزه‌های بین‌المللی عموماً شعارگرا).

(۳) آموزه‌های اسلامی نیز مانند حقوق بشردوستانه بین‌المللی به اهداف غیرنظامی توجه کافی دارد؛ چراکه در موضوعات مرتبط به محیط‌زیست مثل آب، زمین و ... حمایت‌های لازم را در زمان جنگ اعمال می‌دارد. در آموزه‌های اسلامی نیز هرگونه تجاوز به ابنیه تاریخی، عبادتگاه‌ها و بهره از چنین اهدافی برای پیشبرد اقدامات نظامی ممنوع است.

(۴) از آنجایی که در نظام حقوقی اسلام، حقوق بشردوستانه اسلامی بر مبنای اصول کرامت انسانی، عدالت و انصاف بنا شده، با تدقیق در موازین اسلامی، به خصوص قرآن کریم، سنت و سیره نظری و عملی رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، می‌توان به این نتیجه رسید که قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی در اکثر موارد از اسرا حمایت نموده و فی‌الواقع عنایت خاصی به اسیران جنگی دارد؛ برای مثال می‌توان به «فدیه» و

- آل‌بتول، سیدمحسن (۱۳۸۸). *حمایت از غیرنظامیان در جنگ از منظر اسناد بین‌المللی و حقوق اسلام*. به راهنمایی سید ابوالقاسم نقیعی، ارشد، تهران: دانشگاه شهید مطهری.
- اراکی، محسن (۱۳۹۲). *سخنرانی/افتتاحیه در: اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل، تهران: میزان.
- البرزی‌ورکی، مسعود (۱۳۸۹). «حقوق بشردوستانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *مجله حقوق*، ۴۰ (۱): ۴۰-۲۱.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*. جلد ۵، مشهد: آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق بشر*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. جلد ۹، قم: اسراء.
- حجازی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق اسیران جنگی*. تهران: میزان.
- حمیدالله، محمد (۱۳۸۶). *سلوک بین‌الملل دولت اسلامی*، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- دستغیب، محمدرضا (۱۳۹۲). *مقدمه مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. جمعی از نویسندگان. مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل، تهران: میزان.
- دورانت، ویل (۱۳۷۱). *تاریخ تمدن*. ترجمه ابوالقاسم پاینده و دیگران، جلد سوم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رشید، محمدرضا (۱۴۲۰). *تفسیر المنار*. جلد دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- روسو، شارل (۱۳۶۹). *حقوق مخاصمات مسلحانه*. ترجمه سید علی آهنجی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- زحیلی، محمد (۱۴۱۸). *حقوق الانسان فی الاسلام*. دمشق: دار الکلم الطیب.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۹). *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*. دمشق: دارالفکر.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۶). *نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شیبانی، محمدبن حسن (۱۳۸۹). *سیرالکبیر*. جلد دوم، تهران: گنج دانش.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷). *اقتصادنا*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). «نگرشی بر مسؤولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه». *پژوهش حقوق و سیاست*، ۱۳: ۱۸-۵.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). *اسلام و حقوق بین‌الملل*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). *حقوق جنگ*. تهران: دانشگاه بین‌المللی طباطبایی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد دو، چنچ، نه و چهاردهم، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴). *بحارالانوار*. الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: موسسه الوفا.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). *حقوق بشردوستانه بین‌المللی از منظر اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). *حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*. تهران: سمت.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). *فقه سیاسی*. جلد ششم، تهران: امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). *فقه سیاسی: حقوق و قواعد مخاصمات مسلحانه در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین‌الملل اسلام*. جلد پنجم، تهران: امیرکبیر.

- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱). *فقه الامام الصادق*. قم: موسسه انصاریان.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. جلد دو، چهار، هفت، یازده و هجدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۳۰). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

- نخجوان، احمد (۱۳۱۸). *جنگ*. تهران: چاپخانه فردین و برادر.

- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۶). *اسلام و حقوق بشردوستانه*. مجموعه مصاحبه‌ها، دبیرخانه همایش اسلام و حقوق بشردوستانه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ب. منابع انگلیسی

- Oppenheim, R (2015). *International Law, War and Neutrality*. Ed. By H. Lauterpacht, 1st ed, Vol 3, Edinburgh.

- Pictet J. S (2016). *The Principles of International Law Humanitarian*.

- فانر، تونی (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه*. تهران: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.

- کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۹۲). *اصل تفکیک در اسلام و حقوق بشردوستانه یا اصول محدود کننده جنگ در مورد اشخاص غیر نظامی*. در: *جمعی از نویسندگان، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، میزان.

- لوبون، گوستاو (۱۳۴۷). *تملن اسلام و عرب*. ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: اسلامیه.

- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: موسسه اسماعیلیان.

- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۵). «تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، ۱۸: ۲۰۹-۱۴۷.

- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۸). *حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رهیافت اسلامی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰). *حقوق و سیاست در قرآن*. نگارش محمد شهبازی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *نظریه حقوقی اسلام*. جلد ۱، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *فلسفه تاریخ*. قم: صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. جلد بیستم، قم: صدرا.